

بررسی ساخت ملکی محمولی معیار در زبان بلوچی

ارسلان گلفام^۱، روزبهان یزدانی مقدم^۲

۱. عضو هیأت علمی گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

مالکیت، مفهومی جهانی است. بازنمود این مفهوم در نحو به دو شکل کلی اسمی و محمولی است. مالکیت اسمی به شکل گروهی اسمی شامل مالک و مملوک بازنمود دارد، و مالکیت محمولی به صورت جمله بیان می‌شود. در این مقاله، ساخت ملکی محمولی در بلوچی با رویکردی رده‌شناختی بررسی می‌شود. روش پژوهش، ترکیبی از داده‌های اولیه و ثانویه است. ۴۲۰ جمله نمونه از طریق پرسشنامه از گویشوران بلوچی زابل به دست آمد. همچنین، داده‌های ثانویه از برخی از پژوهش‌های دیگر نیز در این پژوهش به کار رفته‌اند. چارچوب نظری پژوهش، پژوهش استاسن (۲۰۰۹) است که در آن چهار رده برای رمزگذاری ساخت ملکی محمولی معرفی شده است. این چهار رده عبارتند از: مالکیت مکانی، مالکیت بایی، مالکیت مبتدایی و مالکیت با محمول «داشتن». سه رده ساخت ملکی مکانی، ساخت ملکی بایی و ساخت ملکی با محمول «داشتن» در داده‌ها وجود دارد، اما شواهدی از وجود ساخت ملکی مبتدایی در این زبان یافت نشد. در بین این سه رده، کاربرد ساخت ملکی بایی بیش‌تر است و بخش بزرگی از داده‌های پژوهش به این راهبرد تعلق دارند. پس از آن، ساخت ملکی مکانی بیش‌ترین کاربرد را دارد و کاربرد ساخت ملکی با محمول «داشتن» اندک بوده است. بهتر است زبان بلوچی از نظر رمزگذاری ساخت ملکی محمولی در رده متفاوتی با زبان‌های ایرانی دیگر مانند فارسی، گیلکی رشت، و شهمیرزادی قرار گیرد. بنابراین، پژوهش پیش رو، گام دیگری در راه رده‌شناسی ساخت ملکی محمولی را در زبان‌های ایرانی برداشته است.

واژه‌های کلیدی:

رده‌شناسی
مالکیت
ساخت ملکی
محمولی،
بلوچی
زابل

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۰ آذرماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۱

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: rzbyazdani@gmail.com

۱. مقدمه

* مالکیت، نوعی رابطه^۱ معنایی بین دو هستان^۲ است که این دو موجودیت، مالک^۳ و مملوک^۴ هستند (استاسن^۵، ۲۰۰۹: ۱۱). از آن جا که ماهیت این رابطه معنایی است، برای تعریف دقیق تر آن باید از معیارهای معنایی استفاده شود. بیش تر صاحب نظران معتقدند که براساس معیارهای تسلط^۶ و مجانست^۷، می توان سرنمون^۸ مفهوم مالکیت را تعریف کرد. تعریف سرنمون مالکیت براساس این دو معیار و همچنین براساس رابطه مالک و مملوک به این شکل است (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۵):

۱. مالک و مملوک به شکل نسبتاً پایدار رابطه ای مکانی با یکدیگر دارند.

۲. مالک بر مملوک تسلط دارد (و بنابراین معمولاً انسان است).

از نظر صوری، می توان رابطه مالکیت را به گونه ای بیان کرد که رابطه بین مالک و مملوک در آن به شکل پیش فرض آمده باشد، و یا می توان این رابطه را به گونه ای نشان داد که گزاره اصلی جمله باشد (استاسن، ۲۰۰۹: ۲۶-۲۷). مالکیت نوع نخست که مالکیت اسمی^۹ یا توصیفی^{۱۰} نامیده می شود، معمولاً ترکیبی از دو گروه اسمی است که به شکلی به یکدیگر متصل شده اند (هاینه^{۱۱}، ۱۹۹۷: ۱۴۳). به همین دلیل، این نوع مالکیت بیشتر از نظر نحوه ارتباط دو بخش اسمی با یکدیگر و ترتیب دو سازه اسمی بررسی شده است (نیکولز^{۱۲}، ۱۹۸۸، ۱۹۹۲). عبارتی مانند «کتاب علی» نمونه ای از مالکیت توصیفی است. معمولاً، سرنمون مالکیت توصیفی این ویژگی ها را دارد: ۱. رابطه ملکی را پیش فرض می گیرد. ۲. محتوا را در طول زمان ثابت می پندارد. ۳. دو موجودیت را شیء می داند. ۴. در قالب رابطه اضافی بیان می شود.

مالکیت نوع دوم، مالکیت محمولی^{۱۳} نام دارد. این نوع مالکیت، بیش تر در قالب جمله بیان می شود و معمولاً با گذر زمان ثابت نیست. برای مثال، جمله ای همچون «علی خانه ای دارد» نمونه ای از ساخت ملکی محمولی

* از خانم اسما بلوچ زهی، دانشجوی سال آخر دکتری تاریخ در دانشگاه فردوسی مشهد، و همسر گرامی ایشان که در تهیه و راستی آزمایی پژوهش و همچنین گردآوری داده ها به اینجانب کمک فراوانی نمودند، و نیز از همه افرادی که در تهیه داده های پژوهش پژوهش مرا یاری کردند، صمیمانه سپاسگزاری می شود.

¹ relations

² entity

³ possessor

⁴ possessee

⁵ L. Stassen

⁶ control

⁷ spatial proximity

⁸ prototype

⁹ adnominal

¹⁰ attributive

¹¹ B. Heine

¹² J. Nichols

¹³ predicative

است. همچنین، امکان تعبیر رابطه ملکی در مالکیت محمولی، معمولاً به مراتب کم‌تر از مالکیت توصیفی است (استاسن، ۲۰۰۹: ۲۶-۲۷). این بدان معنا است که برخی از معانی ممکن ساخت ملکی توصیفی را می‌توان نادیده گرفت (سیلر^۱، ۱۹۷۷: ۲۲۴-۲۲۵) و برخی دیگر را سرنمون دانست (نیکیفوریدو^۲، ۱۹۹۱؛ لنگکر^۳، ۱۹۹۵). برای مثال، تعبیر عبارت «کتاب علی» به معنای «کتابی که علی نوشته است»، یا «کتابی که در دست علی است» نیز ممکن است، ولی این تعبیرها از نظر معنایی الزاماً سرنمون معنای این عبارت نیستند. بنابراین، می‌توان دید که این دو نوع رابطه ملکی با هم تفاوت‌های صوری و معنایی قابل توجهی دارند و بررسی هر یک، نیازمند تحلیلی جداگانه است.

در این پژوهش، ساخت ملکی محمولی و شیوه رمزگذاری^۴ آن در زبان بلوچی بررسی می‌شود. سپس، با توجه به این که تاکنون، ساخت ملکی مستقل در زبان بلوچی به شکل مستقل بررسی نشده است، یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های مشابه انجام‌شده بر روی زبان‌های فارسی (مصطفوی، ۱۳۹۰)، گیلکی رشت (گلغام و همکاران، ۱۴۰۰)، و شه‌میرزادی (مصطفوی و صناعی، ۱۳۹۷) مقایسه می‌شود. بنابراین، زبان بلوچی از نظر شیوه رمزگذاری ساخت ملکی محمولی رده‌بندی خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

ساخت ملکی دارای پیشینه‌ای قوی است که در این بخش تنها به چند پژوهش اشاره می‌شود. پژوهش شریفی و صبوری (۱۳۹۸) از پژوهش‌هایی است که با رویکردی زبان‌شناختی، راهبردهای بیان مفهوم مالکیت را در برخی از گونه‌های زبان‌های ایرانی بررسی کرده است. در این پژوهش، براساس دسته‌بندی کرافت^۵ (۲۰۰۳) نوع راهبرد ملکی مشخص شده است. بررسی داده‌های پژوهش شریفی و صبوری (۱۳۹۸) نشان از آن دارد که راهبرد حالت‌نمایی دوره باستان در ساخت ملکی گونه‌های زبانی شمالی (به ویژه ناحیه خزری) و شرقی ایران (بلوچی) به نسبت مناطق دیگر، به طور خاص شمال شرقی و جنوب غربی، بیش‌تر دیده می‌شود. در نهایت، نویسندگان چنین نتیجه می‌گیرند که شاید بین ترتیب سازه‌های ملک، مالک و مملوک و راهبرد به کار رفته برای ساخت ملکی رابطه‌ای وجود داشته باشد.

پژوهش مصطفوی (۱۳۹۰) ساخت ملکی محمولی را در زبان فارسی با رویکردی نقشی-رده‌شناختی بررسی می‌کند. مصطفوی رده‌های چهارگانه استاسن (۲۰۰۹) را در داده‌های زبان فارسی بررسی می‌کند و همچنین

¹ H. Seiler

² K. Nikiforidou

³ R. Langacker

⁴ encoding

⁵ W. Croft

زیرشاخه‌های مالکیت محمولی هاینه (۱۹۹۷) را محک می‌زند. مصطفوی به این نتیجه می‌رسد که ساخت ملکی مکانی، ساخت ملکی بایی و ساخت ملکی با محمول «داشتن» در زبان فارسی وجود دارند، ولی ساخت ملکی مبتدایی ساختی منسوخ است. جمله‌های (۱) تا (۴) به ترتیب نمونه‌هایی از ساخت ملکی مکانی، ساخت ملکی بایی، ساخت ملکی مبتدایی و ساخت ملکی با محمول «داشتن» در زبان فارسی هستند.

۱. عکس‌هایی که در کتاب هست به پرویز نشان می‌دهد^۱ (جمالزاده، اصفهان: ۳۹ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰:

(۱۲۴)

۲. بچه کوچکی بود با چشم‌های آبی آسمانی مثل چشم‌های مادرش^۲ (هدایت، پروین دختر ساسان: ۹۲-۹۳

به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

۳. گفتم خدا در هیچ طرف نیست و او را هیچ مکانی نباشد (طالبوف، سفینه طالبی: ۲ به نقل از مصطفوی،

۱۳۹۰: ۱۶۴)

۴. شما دو تا زن دارید (جلال آل احمد، مدیر مدرسه: ۵۹ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۶)

مصطفوی و صنعتی (۱۳۹۷) گزاره‌های ملکی را با رویکردی رده‌شناختی در گویش شه‌میرزادی بررسی می‌کنند. در این پژوهش، با مصاحبه با گویشوران شه‌میرزادی، پیکره‌ای از این گویش ساخته شده است و وجود و فراوانی رخداد چهار رده استاسن (۲۰۰۹) بررسی شده است. مصطفوی و صنعتی (۱۳۹۷) چنین نتیجه گرفته‌اند که سه رده مالکیت مکانی، مالکیت بایی و مالکیت با محمول «داشتن» در این گونه زبانی وجود دارند، ولی مالکیت مبتدایی در گویش شه‌میرزادی منسوخ است.

پژوهش نغزگوی کهن و ملکی (۱۳۹۷) به بررسی طرحواره‌های مالکیت در زبان فارسی می‌پردازد. در این پژوهش از چارچوب شناختی هاینه (۱۹۹۷) استفاده و نشان می‌شود که در زبان فارسی از طرحواره‌های کنش، مکانی، همراهی، هدف و منبع برای رمزگذاری مالکیت محمولی استفاده می‌شود. برای رمزگذاری مالکیت اسمی در زبان فارسی، طرحواره‌های مکانی، همراهی، اضافی، منبع، اتصالی و مبتدایی کاربرد دارند. استفاده از طرحواره منبع برای رمزگذاری مالکیت محمولی و استفاده از طرحواره اتصالی برای رمزگذاری مالکیت اسمی جزو ویژگی‌هایی هستند که در زبان‌های مد نظر پژوهش هاینه (۱۹۹۷) وجود ندارند.

پژوهش نغزگوی کهن (۱۳۹۵) انواع ساخت‌های مالکیت را در تالشی براساس چارچوب رده‌شناختی آخنوالد^۳ (۲۰۱۳) بررسی می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که راهکارهای متنوعی برای رمزگذاری مالکیت

^۱ لازم به ذکر است که این جمله، تنها در صورتی جمله ملکی است که تعلق عکس به کتاب در آن برجسته شود. در این جا نیز با همین خوانش، جمله‌ای ملکی دانسته شده است. وگرنه جمله‌ای وجودی است.

^۲ این جمله نیز جمله‌ای وجودی است. ولی در این مثال، تعلق چشم‌های آبی به بچه برجسته شده است و با این خوانش، جمله‌ای ملکی دانسته شده است.

^۳ A. Y. Aikhenvald

اسمی و مالکیت محمولی در تالشی کاربرد دارند و همچنین، چند ساخت مختلف برای بیان یک نقش دستوری یکسان استفاده می‌شوند. روش‌های هم‌جواری، نشانه‌گذاری مالک، نشانه‌گذاری مملوک، و نشانه‌گذاری مالک و مملوک برای رمزگذاری مالکیت اسمی در زبان تالشی کاربرد دارند. در رمزگذاری مالکیت محمولی از انواع ساخت‌های وجودی، ساخت جایگاهی و فعل ربطی استفاده می‌شود. همچنین، در زبان تالشی از پس‌افزافه /ra/ نیز در ساخت‌های ملکی ربطی دیده می‌شود.

هاینه (۱۹۹۷: ۹) مالکیت را یک بار براساس مالک و بار دیگر براساس مملوک دسته‌بندی می‌کند. از نظر مالک، دو نوع مالکیت انسان^۱ و غیرانسان^۲ و از نظر مملوک، مالکیت عینی^۳، مالکیت اجتماعی^۴ و انتزاعی^۵ وجود دارند. در مالکیت عینی، رابطه ملکی بین مالک و یک شیء ملموس است. در مالکیت اجتماعی، روابط اجتماعی مطرح می‌شوند و در مالکیت انتزاعی، مملوک انتزاعی است.

جمله‌های (۵) تا (۹) به ترتیب این ساخت‌ها را نشان می‌دهند (هاینه، ۱۹۹۷: ۹).

۵. مالک انسان: من خانه‌ای دارم.

۶. مالک غیرانسان: این خانه دو اتاق خواب دارد.

۷. مملوک عینی: من دو گربه دارم.

۸. مملوک اجتماعی: من دو خواهر دارم.

۹. مملوک انتزاعی: من وقت ندارم.

وی در جایی دیگر براساس مشاهدات بین‌زبانی هفت نوع مالکیت را شناسایی می‌کند (هاینه، ۱۹۹۷: ۳۴-۳۵): ۱. مالکیت فیزیکی^۶ یا لحظه‌ای^۷ که در آن، مالک و مملوک در لحظه بیان جمله با هم در ارتباطند. مانند: «خودکار همراهت هست؟» ۲. مالکیت موقتی^۸ که در آن مالک برای زمان محدودی بر مملوک تسلط دارد. برای مثال: «علی را دیدم که خودکاری دستش بود.» ۳. مالکیت دائمی^۹ یا ذاتی^{۱۰} که در آن مملوک از دارایی‌های مالک است، مانند جمله (۵). ۴. مالکیت تعلق^{۱۱} که در آن مملوک و مالک را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد، مانند جمله (۸). ۵. مالکیت انتزاعی که در آن، مملوک مفهومی است که قابل مشاهده نیست، مانند جمله (۹). ۶.

¹ human

² non-human

³ concrete

⁴ social

⁵ abstract

⁶ physical

⁷ momentary

⁸ temporary

⁹ permanent

¹⁰ inherent

¹¹ inalienable

مالکیت تعلق غیرجاندار که مانند مالکیت تعلق است، با این تفاوت که مالک جاندار نیست. جمله (۶) از این دسته است. ۷. مالکیت غیرتعلق^۱ غیرجاندار که در آن، مالک جاندار نیست و مملوک را می‌توان از آن جدا ساخت، مانند «پژوهش او منابع بسیاری دارد».

استاسن (۲۰۰۹) معتقد است که رابطه بین این مالک و مملوک نامتقارن است، به این معنا که این دو موجودیت در رابطه‌ای از نوع تعلق^۲ قرار دارند. در این نوع رابطه، یکی از دو موجودیت به دیگری تعلق دارد که در این مورد خاص، مملوک به مالک تعلق دارد (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۱). همچنین، برای توصیف مفهوم مالکیت، یکسانی مکانی دو موجودیت شرط لازم است، ولی شرط کافی نیست. استاسن معتقد است که شرط کافی برای تعریف مالکیت، مفهوم معنایی-شناختی تسلط است (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۴).

مفهوم تسلط را استاسن براساس توصیف اوانز^۳ (۱۹۹۵: ۱۴۶) نوعی رابطه قدرت^۴ می‌داند. در رابطه ملکی، مالک تصمیم می‌گیرد که مملوک کجا باشد و چه اتفاقی برای مملوک بیفتد، و مالک تصمیم می‌گیرد که رابطه ملکی ادامه داشته باشد و یا از بین برود (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۴-۱۵).

بنابراین، رابطه مالکیت در نقطه تقاطع دو پارامتر دیگر قرار دارد. همچنین می‌توان گفت که توصیف این مفهوم با «میزان تسلطی که مالک نسبت به مملوک دارد و مدت زمانی که مملوک در مجانست مالک است» ممکن است (هاینه، ۱۹۹۷: ۳۸-۳۹ به نقل از استاسن، ۲۰۰۹: ۱۵). بنابراین، می‌توان مالکیت را این گونه تعریف کرد: «در حالت سرنمون، مالکیت با حضور دو هستان به نامهای مالک و مملوک تعریف می‌شود به گونه‌ای که: ۱. مالک و مملوک در رابطه‌ای مکانی و نسبتاً پایدار قرار دارند. ۲. مالک به مملوک مسلط است» (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۵-۱۶).

استاسن (۲۰۰۹) از مفاهیم معناشناختی، مجانست و تسلط استفاده و چهار نوع از مالکیت را معرفی می‌کند که در مثال‌های (۱۰) تا (۱۳) دیده می‌شوند (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۶).

۱۰. مالکیت غیرتعلق: علی ماشین قشنگی دارد.

۱۱. مالکیت تعلق: علی دوتا برادر دارد.

۱۲. مالکیت موقتی: طرف تو دستش چند تا کتاب بود.

۱۳. مالکیت انتزاعی: کلکی در کارش بود.

استاسن (۲۰۰۹: ۳۹-۴۰) معتقد است که باید از معیارهای صوری در رده‌شناسی زبان استفاده کرد. تنها معیار صوری که برای ساختن رده‌ای جدید برای ساخت ملکی معمولی نیاز است، رمزگذاری مالک و مملوک

¹ alienable

² belonging

³ Evans

⁴ power

براساس نقش دستوری آنها است. بنابراین، رده‌ها در رده‌شناسی این ساخت نشان‌دهنده تنوع در بیان صوری این نقش‌های دستوری بین زبان‌ها هستند. استاسن (۲۰۰۹: ۴۸) چهار رده متفاوت معرفی می‌کند که آنها را پایه‌ای، به سادگی قابل تشخیص و همچنین تکراری می‌داند. در واقع، این چهار رده را می‌توان چهار نوع ساخت ملکی محمولی دانست. این صورت‌های معیار تحت تاثیر فرآیند دستوری‌شدگی و عوامل همراه با آن قرار نگرفته‌اند و عبارتند از مالکیت مکانی^۱، مالکیت بایی (همراهی)^۲، مالکیت مبتدایی^۳ و مالکیت با محمول «داشتن»^۴.

استاسن (۲۰۰۹: ۴۹-۵۰) برای تعریف ساخت ملکی مکانی سه معیار معرفی می‌کند: ۱. این ساخت دارای محمولی مکانی یا وجودی در قالب فعلی با معنای کلی «بودن» است. ۲. گروه اسمی مملوک، فاعل ساختاری جمله است و تمام ویژگی‌های صرفی-نحوی که فاعل ساختاری در آن زبان دارد، شامل این گروه اسمی نیز می‌شود. ۳. گروه اسمی مالک حالت غیرفاعلی و قیدی دارد. نشان‌گذاری گروه اسمی مالک توسط هر ابزاری است که در آن زبان برای رمزگذاری روابط قیدی به کار می‌رود. استاسن (۲۰۰۹) معتقد است که در حالت سرنمون، صورت کلی ساخت ملکی مکانی را می‌توان به این شکل نشان داد که «در مالک، مملوک است»^۵. جمله (۱) نمونه‌ای از ساخت ملکی مکانی در فارسی است که به شکل جمله (۱۴) تکرار شده است.

۱۴. عکس‌هایی که در کتاب هست به پرویز نشان می‌دهد^۶ (جمالزاده، اصفهان: ۳۹ به نقل از مصطفوی،

۱۳۹۰: ۱۲۴)

صورت دوم ساخت ملکی محمولی، ساخت ملکی بایی است که به این شکل تعریف می‌شود: ۱. نوعی از ساخت ملکی که دارای محمولی مکانی/وجودی در قالب فعلی با معنای کلی «بودن» است. ۲. گروه اسمی مالک، فاعل دستوری محمول است. ۳. گروه اسمی مملوک حالت غیرفاعلی دارد و به شکل قیدی بازنمود می‌یابد. بازنمود صوری این ساخت به این شکل است: «مالک با مملوک است/وجود دارد»^۷. (استاسن، ۲۰۰۹: ۵۵). جمله (۲)، نمونه‌ای از ساخت ملکی بایی در زبان فارسی است که به شکل جمله (۱۵) تکرار شده است.

۱۵. بچه کوچکی بود با چشم‌های آبی آسمانی مثل چشم‌های مادرش^۸ (هدایت، پروین دختر ساسان: ۹۲-

۹۳ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

¹ locational possessive

² with-possessive

³ topical possessive

⁴ have-possessive

⁵ at/to pr, (there) is/exists a pe.

^۶ یادآوری می‌شود که در این جمله، تعلق عکس‌ها به کتاب برجسته شده است و نویسندگان با این خوانش، این جمله را نمونه‌ای از ساخت ملکی دانسته‌اند.

⁷ pr is/exists with a pe

^۸ یادآوری می‌شود که این جمله نیز جمله‌ای وجودی است. ولی اگر تعلق چشم‌های آبی به کودک برجسته شود، ماهیت ملکی دارد و نویسندگان همین خوانش را در نظر دارند.

سومین صورت معیار ساخت ملکی محمولی، ساخت ملکی مبتدایی، را می‌توان به شکل «مالک را مملوک است.»^۱ نوشت^۲ (استاسن، ۲۰۰۹: ۵۸). ویژگی‌های این ساخت را نیز می‌توان به این شکل توصیف کرد: ۱. ساخت دارای محمولی مکانی/ وجودی در قالب فعلی با معنای کلی «بودن» است. ۲. گروه اسمی مملوک، فاعل دستوری جمله است. ۳. گروه اسمی مالک، مبتدای جمله است. جمله (۳) ساخت ملکی مبتدایی را نشان می‌دهد که به شکل جمله (۱۶) تکرار شده است.^۳

۱۶. گفتم خدا در هیچ طرف نیست و او را هیچ مکانی نباشد (طالبوف، سفینه طالبی: ۲ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۴)

چهارمین صورت معیار ساخت ملکی محمولی، ساخت ملکی با محمول «داشتن» است. استاسن (۲۰۰۹: ۵۸) ویژگی‌های ساخت ملکی با محمول «داشتن» را به این شکل تعریف می‌کند: ۱. ساخت دارای محمول گذرا است. ۲. گروه اسمی مالک، فاعل/ کنش‌گر جمله است. ۳. گروه اسمی مملوک، مفعول مستقیم/ کنش‌پذیر جمله است. صورت کلی ساخت ملکی با محمول «داشتن» را می‌توان به این شکل نشان داد: «مالک، مملوک دارد»^۴ (استاسن، ۲۰۰۹: ۶۲). آشکارترین ویژگی این نوع مالکیت، حضور فعلی (نیمه) گذرا است که استاسن آن را فعل «داشتن» نامیده است. معمولاً این فعل هیچ ربطی به محمول «بودن» در هیچ زبانی ندارد. به عبارت دیگر، نوع چهارم مالکیت محمولی به لحاظ درکی از بیان مکان یا وجود مشتق نشده است. به جای آن، الگوی این ساخت براساس بیان کنش‌های گذرا است و به همین دلیل، ممکن است نمونه‌ای از طرحواره^۵ شناختی کلی کنش^۶ باشد (هاینه، ۱۹۹۷: ۴۷ به نقل از استاسن، ۲۰۰۹: ۶۲). جمله (۴) نمونه‌ای از ساخت ملکی با محمول «داشتن» در زبان فارسی است که به شکل جمله (۱۷) تکرار شده است.

۱۷. شما دو تا زن دارید (جلال آل احمد، مدیر مدرسه: ۵۹ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۶)

¹ (as for) pr, pe is/exists

^۲ ساخت ملکی مبتدایی در زبان فارسی وجود ندارد و به همین دلیل، ترجمه دقیق آن، به گونه‌ای که مبتدایی بودن ساخت حفظ شود، ممکن نیست. مصطفوی (۱۳۹۰: ۶۰)، عبارت‌هایی مانند «مالک را مملوک است» را از این نوع دانسته است. ولی چنین ساختی در دامنه ساخت فاعل غیرفاعلی می‌گنجد (ن.ک. دبیرمقدم، ۱۳۹۹: ۲۲۷-۲۷۰). در عبارت‌هایی مانند «مالک را مملوک است»، گروه اسمی «مالک»، فاعل غیرفاعلی است و به همین دلیل جمله ۲ فاعل دارد. ولی در ساخت ملکی مبتدایی، جمله تنها دارای یک فاعل است.

^۳ با این که جمله (۳) به زبان فارسی است، مصطفوی (۱۳۹۰: ۱۶۴) معتقد است که این ساخت اکنون در فارسی کاربردی ندارد.

⁴ pr has a pe

⁵ schema

⁶ action

۳. روش پژوهش

پژوهش کنونی داده‌بنیاد است و در آن از داده‌های اولیه^۱ و همچنین از داده‌های ثانویه^۲ استفاده می‌شود. داده‌های اولیه از گویشوران بلوچی گردآوری شده است. ۲۴ گویشور این زبان به گونه‌ای انتخاب شدند که شامل ۱۲ مرد و ۱۲ زن باشند. در هر گروه، شش نفر دارای سن بیش از ۵۰ سال و سواد دبیرستانی بودند و شش نفر دیگر بیش از ۳۰ سال سن و سواد دانشگاهی داشتند. پرسشنامه دارای ۴۲۰ جمله است و در هر جمله، ساخت ملکی به شکل جای خالی است. از گویشوران خواسته شد که جای خالی را با در اختیار داشتن گروه اسمی مالک و مملوک، به شیوه‌ای که در زبان گفتار خود طبیعی است بگویند و صدای آنان ضبط شد.^۳ جمله‌ای مانند جمله (۱۸) نمونه‌ای از پرسشنامه است که بخش سمت راست به گویشوران داده می‌شد و صدای آنان هنگام گفتن معادل جمله سمت چپ به زبان بلوچی ضبط و برای تحلیل استفاده می‌شد:

۱۸. {پادشاه} {سه پسر}: «پادشاه سه پسر داشت.»

داده‌های ثانویه از منابع مختلف، از جمله جهانی^۴ (۲۰۱۹) و آکسنوف^۵ (۲۰۰۶) گردآوری شد. پس از گردآوری داده‌ها، وجود راهبردهای استاسن (۲۰۰۹) در زبان بلوچی و نحوه رمزگذاری این راهبردها بررسی و در نهایت، یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مشابه مقایسه شدند.

۴. تحلیل داده‌ها

۴-۱. نظام مطابقت بلوچی

از آن جا که برای تشخیص نوع ساخت ملکی محمولی باید فاعل دستوری جمله مشخص باشد، در این بخش توضیحی مختصر درباره نظام مطابقت بلوچی داده می‌شود. این نظام به این شکل است (جهانی، ۲۰۱۹: ۱۲۹):

۱. در صورتی که فعل جمله حال یا مضارع باشد، یا در صورتی که فعل ناگذرا و زمان آن گذشته باشد، مطابقت با فاعل جمله انجام می‌شود.
۲. در صورتی که فعل جمله غیرشخصی باشد و یا فعل گذرا و زمان آن گذشته باشد، مطابقت با مفعول مستقیم انجام می‌شود.

۳. مطابقت فعل در برخی جمله‌ها که دارای صورت گذشته فعل‌های گذرا هستند با مفعول غیرمستقیم است.

¹ primary

² secondary

^۳ در نیمی از پرسشنامه‌ها، ترتیب گروه اسمی مالک و گروه اسمی مملوک با نیمه دیگر متفاوت بود. به عبارت دیگر، در نیمی از پرسشنامه‌ها، گروه اسمی مالک پیش از گروه اسمی مملوک نوشته شده بود. در نیمه دیگر، ترتیب این دو سازه برعکس بود. این کار برای جلوگیری از تحمیل ترتیب سازه‌ها به گویشور، و به تبع از آن، جلوگیری از تحمیل احتمالی ساختهای ملکی به ایشان انجام شد.

⁴ C. Jahani

⁵ S. Axenov

۴-۲. ساخت ملکی مکانی

براساس تعریفی که در بخش ۲-۱. از مالکیت مکانی ارائه شد، شواهدی از وجود این ساخت در بلوچی وجود دارد. جمله‌های (۱۹) تا (۲۸) وجود این ساخت را در بلوچی تأیید می‌کنند.

19. ʔi log-an-i tæh-æ moʃk hæm hæst-ent (مالک غیرجاندار)

۳ش-ج-بودن هم موش obl-در م-ج-خانه این

۱۹. در این خانه‌ها موش هم هست.

20. dege wærin bureʃ-i maji dæst-æt-i (مالک جاندار)

بودن. ۳ش-م-واژه‌بست ۳ش-م-دست ضمیر ملکی ۳ش-م-برس دندان عجیب

۲۰. مسواک عجیبی در دستش بود.

21. ʔæli-j-æ sækkin selli pændel ma sæssæ-ʔ-æt (مالک جاندار)

بودن. ۳ش-م-واج میانجی-ضمیر ملکی ۳ش-م-ذهن نقشه پلید سخت obl-واج میانجی-علی

۲۱. نقشه‌ای پلید در ذهن علی بود.

22. vitamin si-j-æ nibegan-i tæh-æ baz-ent (مالک غیرجاندار)

بودن. ۳ش-ج-زیاد obl-در اض-مرکبات obl-واج میانجی-سی ویتامین

۲۲. ویتامین سی در مرکبات فراوان است.

23. ʃfont poʃ wanegi maji dæst-æt-i (مالک جاندار)

بودن. ۳ش-م-واژه‌بست ۳ش-م-دست ضمیر ملکی ۳ش-م-کتاب جلد چند

۲۳. چند جلد کتاب در دستانش بود.

24. ʃiraz-æ sæk baz bazar hæst-ent (مالک غیرجاندار)

۳ش-ج-بودن بازار زیاد خیلی obl-شیراز

۲۴. شیراز بازارهای خیلی زیادی دارد.

25. $\text{?i log-an-æ bazi kessæ hæst-ent}$ (انتزاعی، مالک غیرجاندار)

۳ش-ج-بودن قصه زیاد obl-ج-خانه این

۲۵. این خانه‌ها قصه‌ها دارند.

26. $\text{?ær du ?æsp ti zag-aj-ænt}$ (غیرتعلقی، مالک جاندار)

بودن ۳ش-ج-gen-پسر ضمیر ملکی ۲ش م اسب دو هر

۲۶. هر دو اسب برای پسر تو هستند. (آکسنوف، ۲۰۰۶: ۷۹)

27. $\text{?ir hendustan-æ baz-æ bit}$ (غیرتعلقی، مالک غیرجاندار)

بودن ۳ش م obl-زیاد obl-هندوستان شیر

۲۷. شیر در هندوستان زیاد است. (جهانی، ۲۰۱۹: ۴۵)

28. $\text{man ?a ketab-a hef? rædi-j-e n-est}$ (غیرتعلقی، مالک غیرجاندار)

بودن ۳ش م نفی ن-واج میانجی-خطا هیچ م-کتاب این ضمیر ملکی ۳ش م

۲۸. در این کتاب هیچ خطایی نیست.^۱ (جهانی، ۲۰۱۹: ۱۰۹)

در جمله (۲۳)، فعل جمله از نوع «بودن» است. همچنین، مطابقت فاعل با گروه اسمی /font poʃ wanegi/ است. گروه اسمی /ti zag/ به دلیل وجود عنصر اضافی، حالت فاعلی ندارد. بنابراین، مملوک جمله دارای حالت فاعلی و مالک جمله دارای حالت غیرفاعلی است. به همین دلیل، طبق تعریفی که از ساخت ملکی مکانی در بخش ۱-۲ گفته شد، این جمله را می‌توان نمونه‌ای از ساخت ملکی مکانی در زبان بلوچی دانست. بقیه جمله‌های نمونه نیز همین وضعیت را دارند. در بین این جمله‌ها، نمونه‌هایی از مالکیت تعلق، غیرتعلق، انتزاعی و موقتی دیده می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که رمزگذاری ساخت ملکی توسط راهبرد مالکیت مکانی تنها به یک زیرشاخه خاص محدود نمی‌شود. همچنین دیده می‌شود که مالک در ساخت ملکی مکانی می‌تواند جاندار یا غیرجاندار و زمان جمله می‌تواند حال یا گذشته باشد. در تمام پیکره، تقریباً ۳۸٪ از داده‌های پژوهش، برابر با ۳۸۳۰ جمله به زیرشاخه مالکیت مکانی تعلق داشتند. این مسئله نشان می‌دهد که کاربرد ساخت ملکی مکانی در زبان بلوچی قابل توجه است.

^۱ جمله‌های (۲۷) و (۲۸) در صورتی ساخت ملکی هستند که تعلق مالک به مملوک برجسته شود. در غیر این صورت، جمله‌های وجودی هستند. در این بخش، همین خوانش خاص مد نظر است.

۳-۴. ساخت ملکی بایی

شواهدی از وجود ساخت ملکی بایی در بلوچی وجود دارد. جمله‌های (۲۹) تا (۳۸) این مسئله را نشان می‌دهند.

29. ?æli gu jæk o nim gΘz-e deradz-i če pæhk-a zurmænd-tær-æt (تعلقی، مالک جاندار)

بودن. ۳م-تفضیلی-قوی ج-همه از قد اض-واحد اندازه نیم و یک با علی

۲۹. علی با یک متر و نیم قد از همه قوی تر بود.

30. ?æli gu jæk bon-e gol log-æ pæftærr-et (موقتی، مالک جاندار)

۳م-برگشتن obl-خانه گل اض-شاخه یک با علی

۳۰. علی با یک شاخه گل به خانه برگشت.

31. ?ok-in zer-i-j-æt gu baz-in mahig-an (تعلقی، مالک)

غیرجاندار)

ج-ماهی صفت‌ساز-زیاد با بودن. ۳م-واج میانجی-ن-دریا صفت‌ساز-زیبا

۳۱. دریایی قشنگی بود با ماهی‌های فراوان.

32. ?i tæmæddon-æ gu bidærwær-in dod o robidæg-æ hæzar sal-ent ke hæst-ent (انتزاعی، مالک غیرجاندار)

۳ش‌ج-بودن که بودن. ۳ش‌ج-سال هزار م-فرهنگ و سنت صفت‌ساز-بی‌مانند با م-تمدن این

۳۲. این تمدن با فرهنگ یکتایش هزاران سال دوام آورده است.

33. ?ok-in ?jællΘ-?i dæst-æt-i gu negin-i ?ækutt-i (غیرتعلقی، مالک غیرجاندار)

نسبت‌ساز-یاقوت اض-نگین با بودن. ۳م-واژه‌بست ۳م-دست ن-واج میانجی-انگشتر صفت‌ساز-زیبا

۳۳. انگشتر زیبایی به دست داشت با نگین یاقوت.

34. wæf-in ?ferag-i gu bærabær-in batri lot-an (غیرتعلقی، مالک غیرجاندار)

۱ش‌م-خواستن باتری صفت‌ساز-برابر با ن-چراغ صفت‌ساز-خوب

۳۴. چراغ‌قوه‌ای خوب با باتری قوی می‌خواهم.

35. pijano saz-i gu baz-i bæʔæn-æn-ent (تعلقی، مالک غیرجاندار)

بودن. ۳ش ج-ج-کلید اض-زیاد بان-ساز پیانو

۳۵. پیانو سازی با کلیدهای زیاد است.

36. bæʔæg-i dist-on gu dƏraǰ-in mud-a (تعلقی، مالک جاندار)

ج-مو صفت ساز-بلند با اش-م-دیدن ن-بچه

۳۶. پسری دیدم با موهای بلند.

37. ketab-on gun-æt (موقتی، مالک جاندار)

بودن. ۳ش م-با واژه بست اش-م-کتاب

۳۷. کتاب را نزد خود داشتم. (جهانی، ۲۰۱۹: ۹۱)

38. ʃok-k-i n-est (تعلقی، مالک جاندار)

بودن. ۳ش م-نفی ن-واج میانجی-فرزند

۳۸. او فرزندی ندارد. (جهانی، ۲۰۱۹: ۹۱)

در جمله (۳۱)، محمول جمله از نوع «بودن» است. مالک جمله گروه /ʃok-in zer-i/ است و فاعل جمله نیز هست. بنابراین، گروه اسمی /baz-in mahig-an/ که مملوک است، فاعل نیست. پیش‌اضافه /gu/ نیز در این جمله پیش از مملوک است. بنابراین، گروه اسمی مالک، فاعل است و مملوک جمله فاعل نیست. محمول جمله نیز از نوع «بودن» است. پس این جمله را می‌توان نمونه‌ای از ساخت ملکی بایی دانست. همان‌طور که نشان داده شد، همهٔ زیرشاخه‌های معنایی مالکیت را می‌توان توسط ساخت ملکی بایی رمزگذاری کرد. همچنین، مالک جمله می‌تواند جاندار یا غیرجاندار باشد.

در برخی از جمله‌ها مانند جمله‌های (۳۰) و (۳۳)، محمول «بودن» وجود ندارد یا حذف شده است. ولی وجود این محمول برای ساخت ملکی بایی الزامی نیست و این مسئله در زبان فارسی نیز رخ می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). جمله (۳۹) شاهد این پدیده است.

۳۹. پیرمردی با شلوار کوتاه و کمر بسته و کلاه پردار شکارچیان، سنگین پیش آمد (حجازی، آرزو: ۶ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

در کل، ۵۸۴۷ جمله در کل داده‌های مورد نظر پژوهش به زیرشاخه ساخت ملکی بایی تعلق داشتند. این تعداد تقریباً برابر با ۵۸٪ از کل داده‌ها است. بنابراین، اکثریت مطلق پیکره به ساخت ملکی بایی تعلق دارد و می‌توان گفت که ساخت ملکی بایی در زبان بلوچی، ساخت غالب برای رمزگذاری مالکیت محمولی است.

۴-۴. ساخت ملکی با محمول «داشتن»

ساخت ملکی با محمول «داشتن» در پیکره بلوچی ساختی به نسبت کم کاربرد بوده است. در کل، تعداد ۲۴۰ جمله در پیکره توسط این ساخت رمزگذاری شده بودند که تقریباً برابر با ۲٪ از پیکره است. کاربرد اندک ساخت ملکی با محمول «داشتن» در زبان بلوچی از یک سو و کاربرد زیاد ساخت ملکی بایی در این زبان از سوی دیگر، زبان بلوچی را از زبان‌هایی مانند فارسی، گیلکی، و شهمیرزادی متمایز می‌کنند. در زبان فارسی، فراوانی کاربرد ساخت ملکی با محمول «داشتن» به نسبت بالا است (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۵). در زبان شهمیرزادی ساخت ملکی با محمول «داشتن» کاربرد بسیار بیش‌تری دارد (مصطفوی و صنعتی، ۱۳۹۷: ۱۹۳). گیلکی نیز چنین وضعی دارد و کاربرد ساخت ملکی با محمول «داشتن» در آن از ساخت‌های دیگر بیش‌تر است (گلغام و همکاران، ۱۴۰۰).

جمله‌های (۴۰) تا (۴۹) نمونه‌هایی از ساخت ملکی با محمول «داشتن» در بلوچی هستند.

40. dɔwldar-in molk-i dar-et (مالک جاندار، غیرتعلق، مالک جاندار)

۲ش-م-داشتن ن-کشور صفت-ساز-زیبا

۴۰. کشور زیبایی دارید!

41. hærab-in sessa-j-an-i ke læhti wuti mædʒg-an-i tæh-æ

obl-در ن-ج-مغز خود برخی که ن-ج-واج میانجی-فکر صفت-ساز-خراب

dar-ænt tʃe doʒmen-e bir-æ hæm gæn-tær-ent (انتزاعی، مالک جاندار)

بودن. ۳ش-ج-تفضیلی-بد هم ن-حمله اض-دشمن از ۳ش-ج-داشتن

۴۱. فکرهای مخربی که برخی در ذهن دارند از حمله دشمن بدتر است.

42. wab-e wæhd-i sær-e wæhd o rædobænd datæg-æt (انتزاعی، مالک جاندار)

۳ش-م-داشتن منظم و وقت اض-سر ن-وقت اض-خواب

۴۲. وقت خواب کاملاً مرتب و مشخصی داشت.

43. ʔi deræçg-æ baz-in nejbæg-i dar-i (تعلق، مالک جاندار)

- ۳م-داشتن ن-میوه صفت‌ساز-زیاد م-درخت این
۴۳. این درخت میوه‌های زیادی دارد.
44. ta tʃe ʔunar dar-aj (انتزاعی، مالک جاندار)
۳م-داشتن هنر چه ضمیر ۳م
۴۴. چه مهارتی داری؟ (آکسنوف، ۲۰۰۶: ۱۱۷)
45. go wat jæk nan-e daʃt-ænt (موقتی، مالک جاندار)
۳ج-داشتن ن-نان یک خود با
۴۵. با خود نانی داشتند. (آکسنوف، ۲۰۰۶: ۱۲۱)
46. ma hoʃter daʃt (غیرتعلق، مالک جاندار)
داشتن ۳م شتر ضمیر اش ج
۴۶. ما شتر داشتیم. (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵)
47. særdar bagg-ie dar-i (غیرتعلق، مالک جاندار)
۳م-داشتن ن-گله شتر سردار
۴۷. سردار گله‌ای شتر دارد. (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶)
48. sæwad hob-ien tʃiz-i-j-en jækk-ie sæwad
سواد ن-یک بودن ۳م-واج میانجی-ن-چیز صفت‌ساز-خوب سواد
(انتزاعی، مالک جاندار) b-dar-i
۳م-داشتن-پیشوند
۴۸. سواد چیز خوبی است اگر کسی سواد داشته باشد. (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۶)
49. græntʃin dʒarr-ie dar-i (غیرتعلق، مالک غیرجاندار)
۳م-داشتن ن-گیاه گرنچین
۴۹. گرنچین گیاهی دارد. (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۶)

در جمله (۴۰)، محمول جمله گذرا و از نوع «داشتن» است. همچنین، مطابقت فعل با ضمیر دوم شخص مفرد، یعنی با مالک جمله است. بنابراین، مملوک جمله که گروه اسمی /dowldar-in molk-i/ است، فاعل نیست. این گروه اسمی، مفعول مستقیم/ پذیرا^۱ است. در نتیجه، این جمله را می‌توان نمونه‌ای از ساخت ملکی با محمول «داشتن» در بلوچی دانست. جمله‌های دیگری نیز که در این بخش آورده شده‌اند، همین وضعیت را دارند. بنابراین، می‌توان دید که ساخت ملکی با محمول «داشتن» در بلوچی وجود دارد. همچنین، همه زیرشاخه‌های معنایی مالکیت را می‌توان توسط این ساخت رمزگذاری کرد و جاندار بودن یا نبودن گروه اسمی مالک نیز برای رمزگذاری جمله توسط این راهبرد، معیار تاثیرگذاری نیست.

۵. نتیجه‌گیری

با تحلیل داده‌ها، می‌توان چنین گفت که از چهار رده استاسن، سه رده مالکیت مکانی، مالکیت بایی و مالکیت با محمول «داشتن» در بلوچی وجود دارند. بین این سه رده، ساخت ملکی بایی پرکاربردترین راهبرد برای رمزگذاری ساخت ملکی محمولی بوده است، به گونه‌ای که بیش‌تر داده‌های مورد نظر پژوهش به این زیرشاخه تعلق داشتند. هیچ شواهدی از رمزگذاری جمله‌ها توسط راهبرد چهارم، یعنی ساخت ملکی مبتدایی، در بین داده‌ها یافت نشد و فراوانی رخداد این ساخت در جمله‌ها صفر بود. بنابراین، می‌توان چنین گفت که در صورت امکان رمزگذاری مالکیت توسط ساخت ملکی مبتدایی، احتمال این رمزگذاری بسیار اندک است. این ساخت در فارسی نیز ساختی متروک است (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۴) و در گیلکی رشت و در گویش شه‌میرزادی نیز کاربردی ندارد (گلغام و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۸۶؛ مصطفوی و صنعتی، ۱۳۹۷: ۱۹۵).

سه رده موجود در بلوچی برای رمزگذاری هر چهار زیرشاخه معنایی هاینه (۱۹۹۷)، یعنی مالکیت غیرتعلق، مالکیت تعلق، مالکیت موقتی و مالکیت انتزاعی کاربرد داشتند. همچنین، به نظر می‌رسد که جاندار بودن یا نبودن گروه اسمی مالک بر رمزگذاری جمله‌ها توسط این سه رده تاثیر بسزایی نگذارد. به عبارت دیگر، امکان رمزگذاری جمله‌های دارای مالک جاندار و همچنین جمله‌های دارای مالک غیرجاندار توسط هر سه رده هست. با توجه به بحث‌های مطرح‌شده، می‌توان نقشه معنایی ساخت ملکی محمولی را در بلوچی به صورت شکل (۱) نشان داد.

مکانی	بایی	مبتدایی	با محمول «داشتن»
-------	------	---------	------------------

شکل ۱. نقشه معنایی ساخت ملکی محمولی در زبان بلوچی

¹ patient

شکل (۱) به این معنا است که تا جایی که شواهد پژوهش نشان می‌دهند، ساخت ملکی مبتدایی در بلوچی کاربردی ندارد، ولی سه رده دیگر در این زبان به کار می‌روند. به عبارت دیگر، تمام زیرشاخه‌های مورد نظر چارچوب پژوهش توسط سه رده دیگر انجام می‌شود. اما، با توجه به کاربرد به نسبت اندک ساخت ملکی با محمول «داشتن» در زبان بلوچی، و همچنین کاربرد زیاد ساخت ملکی بایی و ساخت ملکی مکانی در این زبان، نمی‌توان ساخت ملکی با محمول «داشتن» را در زبان بلوچی ساخت غالب دانست.

بنابراین، از نظر رده‌های ساخت ملکی محمولی که در زبانها کاربرد دارند، زبان بلوچی به همراه زبان فارسی (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۲۳۲)، گیلکی رشت (گلغام و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۸۶)، و شه‌میرزادی (مصطفوی و صنعتی، ۱۳۹۷: ۱۹۴-۱۹۵)، تفاوتی ندارد. اما، زبان بلوچی برای رمزگذاری ساخت ملکی محمولی گرایش به ساخت‌های ناگذرا دارد و کاربرد ساخت ملکی بایی و ساخت ملکی مکانی در آن به مراتب بیش‌تر از ساخت ملکی با محمول «داشتن» است. حتی برخی معتقدند که فعل «داشتن» در این زبان وجود ندارد (جهانی، ۲۰۱۹: ۲۲۲). با توجه به شواهد، به نظر می‌رسد که این دیدگاه تا حدی افراطی باشد. به هر حال، تفاوتی اساسی بین زبان بلوچی و تعدادی از زبان‌های ایرانی دیگر وجود دارد. این تفاوت، گرایش به استفاده از ساخت‌های ناگذرا و محمول «بودن»، و به طور خاص ساخت ملکی بایی و ساخت ملکی مکانی، برای رمزگذاری ساخت ملکی محمولی است. به همین دلیل، برای افزایش دقت رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، بهتر است زبان بلوچی را از زبان‌های فارسی، گیلکی رشت، و شه‌میرزادی متفاوت دانست و آن را از نظر رمزگذاری ساخت ملکی محمولی در رده جداگانه‌ای قرار داد.

منابع

- آهنگر، عباسعلی، موسی محمودزهی و فرزانه جمالزهی (۱۳۹۶). بررسی مقوله‌های تصریفی در بلوچی سرحدی گرنچین. *فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه الزهراء (س)*. (۲۵)، ۷۹-۱۱۱.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۹). *زبان‌شناسی، منظری ایرانی*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- شریفی، شهلا و نرجس بانو صبوری (۱۳۹۸). راهبردهای بیان مالکیت در برخی گونه‌های زبانی ایرانی. *فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، (۲)، ۵۶-۷۶.
- گلغام، ارسلان، محمد دبیرمقدم، سحر بهرامی خورشید و روزبهان یزدانی‌مقدم (۱۴۰۰). بررسی ساخت ملکی محمولی در گیلکی رشت. *زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*. (۲) ۶، ۳۶۹-۳۸۸.
- مصطفوی، پونه (۱۳۹۰). *بررسی مالکیت محمولی در فارسی*. پایان‌نامه دکتري. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مصطفوی، پونه و مرضیه صنعتی (۱۳۹۷). گزاره‌های ملکی در زبان شه‌میرزادی: یک بررسی رده‌شناختی. *فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه الزهراء (س)*. (۲۷)، ۱۷۱-۱۹۹.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۵). بیان مالکیت در تالشی. *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*. سال اول پاییز و زمستان. (۲)، ۱۱۷-۱۳۶.
- نغزگوی کهن، مهرداد و ساسان ملکی (۱۳۹۷). طرحواره‌های مالکیت در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. ۱۱ (۱)، ۳۳-۴۸.

- Aikhenvald, A. Y. (2013). Possession and ownership: a cross-linguistic perspective. *Possession and ownership: a crosslinguistic typology*. (pp. 1-64). Oxford: Oxford University Press.
- Axenov, S. (2006). *The Balochi language of Turkmenistan. A Corpus-based grammatical description*. Uppsala: Uppsala University.
- Croft, W. (2003). *Typology and universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Evans, N. (1995). *A grammar of Kayardild*. Berlin: Mouton De Gruyter.
- Heine, B. (1997). *Possession: Cognitive sources, forces, and grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jahani, C. (2019). *A grammar of modern standard Balochi*. Uppsala: Uppsala University
- Langacker, R. W. (1995). Possession and possessive constructions. *Language and the cognitive construal of the world*. (pp. 51-79). J. R. Taylor & R. E. Macauley. Berlin: Mouton De Gruyter.
- Nichols, J. (1988). On alienable and inalienable possession. *In Honor of Mary Haas: From the Haas Festival on Native American Linguistics*. (pp. 557-609). W. Shipley. Berlin: Mouton De Gruyter.
- Nichols, J. (1992). *Linguistic diversity in space and time*. Chicago: University of Chicago Press.
- Nikiforidou, K. (1991). The meanings of the genitive: a case study in semantic structure and semantic change. *Cognitive Linguistics*. (2), 149-205.
- Seiler, H. (1977). Universals of language. *Gesammelte Aufsätze* (pp. 207-29). H. Seiler, Sprache und Sprachen. München: Wilhelm Fink,.
- Stassen, L. (2009). *Predicative possession*. New York: Oxford University Press.